

عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی (شهرستان کرمانشاه)

علیرضا قاسمی^۱

باقر ساروخانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۷/۰۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱۱/۱۵

چکیده

طلاق یکی از آسیب‌های اجتماعی است که میزان آن در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده است. هدف از انجام این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی بوده است. از این رو، ۳۶۹ نفر از زوجین متقاضی طلاق توافقی در کرمانشاه به صورت در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود. نتایج نشان داد که آشنایی قبل از ازدواج و مدت دوران نامزدی در متقاضیان طلاق خیلی کم بوده است و در میان مردان متقاضی طلاق توافقی ۱۸/۷ درصد دارای سابقه مصرف مواد مخدر بوده‌اند. از نتایج دیگر این بود که بیشترین عوامل طلاق زوجین متقاضی طلاق توافقی به ترتیب مربوط به دخالت اطرافیان (۱۲/۵ درصد)، ضرب و شتم (۱۰/۳ درصد)، دروغ‌گویی (۹/۲ درصد)، سوء ظن و بدبینی (۸/۱ درصد)، اعتیاد (۶/۲ درصد)، بی‌توجهی (۵/۷ درصد)، تنفر و نداشتن علاقه (۳/۵ درصد) و خیانت (۳/۵ درصد) بوده است. نتایج اطلاعات مهمی را در خصوص طلاق توافقی به دست می‌دهد و توجه به علل و عوامل طلاق توافقی از اهمیت خاصی برخوردار است.

واژگان کلیدی: طلاق توافقی، عوامل اجتماعی، زوجین.

^۱ - دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران: alirezaghaseviva@yahoo.com

^۲ - استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

مقدمه

نخستین وظیفه‌ی هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط دو جنس مرد و زن بر پایه‌های مناسب است. انسانی‌ترین عمل تنظیم این روابط، همان ازدواج است که می‌توان آن را به عنوان اتحاد مرد و زن برای بهبود و پیشرفت آینده تعریف کرد. خانواده نهادی است که به اعضای خود احساس امنیت و آرامش می‌بخشد و طی هزاران سال پایدارترین و مؤثرترین وسیله‌ی حفظ ویژگی‌های فرهنگی و عامل انتقال آن به نسل‌های بعدی بوده است. اما امروزه احساس امنیت و آرامش و روابط صمیمانه بین زن و مرد به سستی گراییده است و خانواده به گونه‌ی فزاینده‌ای با نیروهای مخرب مواجه شده است و تهدید مهمی برای سلامت جامعه به شمار می‌آید (ستوده، ۱۳۸۳: ۲۰۱).

یکی از انواع طلاق، طلاق توافقی^۱ می‌باشد. زن و مرد می‌توانند با توافق یکدیگر اقدام به طلاق نمایند، لیکن مقصود از طلاق به توافق زوجین این نیست که اراده‌ی زن و مرد به یک اندازه در طلاق مؤثر بوده و به منزله‌ی یک قرارداد بین زوجین تلقی می‌شود. (مهرپور محمد آبادی، ۱۳۵۲: ۵۲).

بر اساس تحقیقات ماکای (۲۰۰۴: ۷۸) میزان طلاق به ترتیب در سال‌های ۱۹۵۰، ۱۹۸۰، ۱۹۸۹، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۲ به ۰/۵، ۱/۰، ۱/۳، ۱/۵ و ۲/۳ در هر هزار نفر رسیده است. بر اساس پژوهش‌ها، حدود ۵۰ درصد از ازدواج‌های اولیه و ۶۰ درصد از ازدواج‌های مجدد به طلاق ختم می‌شود (Cohen, ۲۰۰۲: ۱۰۱۹). همچنین نشان داده شده است که ۴۰ درصد کودکان، طلاق والدین را در ششمین سال زندگی تجربه می‌کنند (Tanner, ۲۰۰۲: ۱۰۰۷). بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران، میزان طلاق در سال‌های اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است. به طوری که این رشد از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ به ترتیب به ۷/۲، ۷/۵ و ۷/۹ درصد رسیده است (نقل از یزدخواستی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۶۴). بر اساس آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور در ۹ ماه اول سال ۱۳۸۹ میزان طلاق نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۸۸، ۷/۵ درصد افزایش داشته است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۸۹: نقل از شریفی، کارسولی و بشلیده، ۱۳۹۰: ۲۱۳).

از دیدگاه مسؤولان دادگاه‌های قضایی خانواده، علل و عوامل طلاق به چهار بعد اجتماعی (اعتیاد، ازدواج تحمیلی، سنت‌های غلط، مداخله‌ی اطرافیان، سابقه‌ی دوستی قبل از ازدواج، خشونت‌های خانوادگی و ...)، اقتصادی (فقر، بیکاری مرد، استقلال‌خواهی مالی از طرف زنان و ...)، فرهنگی (اختلافات مذهبی و فرهنگی، خیانت آشکار و پنهان زوجین، تعصبات فرهنگی و ...) و فردی - شخصیتی (مصرف مواد، قماربازی، اختلافات سنی، نازایی، بی‌اعتنایی به همسر، بیماری و اختلالات روانی و غیره) تقسیم می‌شوند که بیشترین علل آن به عوامل فردی - شخصیتی برمی‌گردد (کاملی، ۱۳۸۶: ۱۸۸ و ۱۸۹). خیاط‌غیائی و همکاران (۱۳۸۹: ۷۷) نشان دادند که اختلاف تحصیلی و سنی زوجین، تحصیلات زن و سن ازدواج با گرایش زنان به طلاق رابطه‌ای معنادار و مستقیم دارند و متغیرهای مدت زندگی مشترک و تعداد فرزندان با گرایش به طلاق زنان رابطه‌ای معنادار و معکوس دارند.

از دیدگاه گاتمن^۲ (۱۹۹۳: نقل از یوسفی و سهرابی، ۱۳۹۰: ۱۹۳) طلاق فرآیندی است که با تجربه‌ی بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش‌ها و سبک زندگی جدید خاتمه می‌یابد. در برخی دیگر از تعاریف، طلاق به گونه‌ای

گسیختگی خانواده و انحلال قانونی، شرعی و عرفی ازدواج تحت شرایط مقرراتی گفته می‌شود (تقوی، ۱۳۷۸: ۱۶۹).

علل و عوامل طلاق در کشورهای اروپایی و آمریکایی، ضعف در برقراری ارتباطات، مشکلات مالی، نداشتن احساس مسؤلیت، بی وفایی و خیانت، برآورده نشدن انتظارات، اعتیاد، سوءاستفاده جنسی و فیزیکی یا روحی و نداشتن توانایی حل مشکل ذکر شده است (قطبی و همکاران، ۱۳۸۳؛ نقل از مشکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷). در جامعه‌ی ما نیز بر اساس پژوهش‌های انجام شده، توقعات بی‌جا، تجمل‌گرایی، هوس‌بازی برخی همسران، درک نکردن یکدیگر و دخالت‌های بی‌مورد اطرافیان بعضی از دلایل مؤثر بر طلاق بیان شده است (حسینی، ۱۳۸۶؛ نقل از مشکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸). مهمترین مشکل زوجین مراجعه کننده جهت درمان، فقدان احساس عشق، مشاجره بر سر قدرت، مشکلات ارتباطی و انتظارات غیر منطقی بوده است (Whisman, Dixon, & Johnson, ۱۹۹۷: ۳۶۱). زرگر و نشاط‌دوست (۱۳۸۶: ۷۳۷) نشان دادند که بیشترین علل تقاضای طلاق به ترتیب مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده‌ها و بیماری روانی یکی از زوجین عنوان شده است. رحیمی (۱۳۷۹: ۳۵) نشان داد که علل و عوامل طلاق عبارتند از: نداشتن تفاهم اخلاقی، تمکین نکردن، بیکاری، مشکلات مالی و اقتصادی، اعتیاد، دخالت دیگران، اختلاف سطح سواد و اختلاف سنی. همچنین سیف‌الهی ننه‌کران (۱۳۷۲: ۱۴۱) نشان داد که علت‌های طلاق به ترتیب نداشتن توافق اخلاقی، اختلاف خانوادگی، اختلاف داخلی، نداشتن سازگاری، اعتیاد، عدم تمکین، عقیم بودن، نداشتن بچه و ندادن خرجی می‌باشند. دانش و همکاران (۱۳۷۰: ۳۴) نیز نشان دادند علل و عوامل طلاق عبارتند از: الف) عوامل اقتصادی (فقر، کمی درآمد، نداشتن مسکن و بیکاری) و ب) عوامل غیر اقتصادی (اختلاف فرهنگی، چند همسری، بیسوادی و اختلاف طبقاتی). فارول (Farrell, ۲۰۰۶: ۲۳۹) نشان داد که یکی از عوامل مهم مرتبط با طلاق وجود برادران و خواهران طلاق گرفته در خانواده می‌باشد که این امر بر میزان و افزایش طلاق افراد فامیل کمک می‌کند. برخی از علل طلاق عبارتند از نداشتن توافق اخلاقی، تنفر و کراهت زوجه، تنفر و کراهت زوج، اختلافات خانوادگی، عقیم بودن و نازایی زن، ندادن نفقه، اختلاف سن، زندانی بودن زوج، بدرفتاری زوج، بیماری‌های زوج، داشتن زن‌های دیگر، اعتیاد، انحراف زوجه، تمکین نکردن، فساد اخلاقی زوج، بیکاری، آزار بدون علت (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۴۷). بر اساس تحقیقات جدید، فاتحی دهاقانی و نظری (۱۳۹۰: ۱۳) نشان دادند که میزان دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زوجین، میزان تفاوت منزلت بین زوجین، رضایت‌زدگی زناشویی و تصور مثبت از پیامدهای طلاق به شکل مستقیم بر میزان گرایش به طلاق تأثیر داشته‌اند که از این میان، متغیرهای میزان دخالت بی‌جای اطرافیان در زندگی زوجین و میزان تفاوت منزلتی زوجین بیشترین تأثیر بر میزان گرایش به طلاق را داشته‌اند.

امروزه شناخت عوامل مؤثر و متأثر از طلاق از اولویت‌های بهداشت روانی به‌شمار می‌آید. بهداشت روانی نسل‌های جامعه در گرو تأمین بهداشت روانی خانواده به عنوان یک کانون مملو از محبت و آرامش برای تحول در رشد استعدادهاست. از این‌رو، با توجه به نبودن پژوهش‌ها در زمینه طلاق توافقی و عوامل مرتبط با آن و همچنین به دلیل اینکه امروزه روند طلاق توافقی در دادگاه‌ها افزایش پیدا کرده، پرداختن به

طلاق توافقی و عوامل مرتبط با آن علاوه بر پرکردن خلأ پژوهشی در این زمینه، می‌تواند از بعد افزایشی در زمینه طلاق توافقی قابل توجه باشد و در توجه به این نوع طلاق از اهمیت بخصوصی برخوردار گردد. با این مقدمه، تحقیق حاضر در پی بررسی سؤال‌ها و فرضیات زیر می‌باشد:

سؤال‌های تحقیق

- ۱- وضعیت اشتغال متقاضیان طلاق توافقی چگونه است؟
- ۲- وضعیت سابقه‌ی طلاق در خانواده و آشنایان زوجین متقاضی طلاق توافقی چگونه است؟
- ۳- وضعیت ازدواج زوجین متقاضی طلاق توافقی از نظر اجباری یا اختیاری بودن چگونه است؟
- ۴- میزان رضایت والدین هر یک از زوجین متقاضی طلاق توافقی از ازدواج آنان چگونه است؟
- ۵- میزان آشنایی قبل از ازدواج و مدت دوران نامزدی در زوجین طلاق توافقی چگونه بوده است؟
- ۶- سابقه‌ی مصرف سیگار و مواد مخدر در زوجین متقاضی طلاق توافقی چگونه بوده است؟
- ۷- علل و عوامل اختلاف زناشویی در زوجین متقاضی طلاق توافقی کدامند؟

فرضیات تحقیق

الف) فرضیات عوامل فرهنگی

- ۱- بین تحصیلات زوجین متقاضی طلاق توافقی تفاوت معناداری وجود ندارد.
- ۲- بین سواد والدین زوجین متقاضی طلاق توافقی تفاوت معناداری وجود ندارد.
- ۳- بین قومیت زوجین متقاضی طلاق توافقی تفاوت معناداری وجود ندارد.
- ۴- بین رضایت والدین زوجین متقاضی طلاق توافقی تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۵- بین رفت و آمد زوجین متقاضی طلاق توافقی با خانواده همسرشان تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۶- بین داشتن سوءظن زوجین متقاضی طلاق توافقی به همدیگر تفاوت معناداری وجود ندارد.
- ۷- بین تمایل به ادامه زندگی مشترک زوجین متقاضی طلاق توافقی تفاوت معناداری وجود دارد.

ب) فرضیات عوامل اجتماعی

- ۸- بین وضعیت مهاجرت زوجین متقاضی طلاق توافقی تفاوت معناداری وجود ندارد.
- ۹- بین سابقه ازدواج قبلی زوجین متقاضی طلاق توافقی تفاوت معناداری وجود ندارد.
- ۱۰- بین سابقه طلاق در خانواده زوجین متقاضی طلاق توافقی تفاوت معناداری وجود ندارد.
- ۱۱- بین مصرف مواد مخدر در زوجین متقاضی طلاق توافقی تفاوت معناداری وجود دارد.

ج) فرضیات عوامل اقتصادی

- ۱۲- بین وضعیت اشتغال زوجین متقاضی طلاق توافقی تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۱۳- بین نوع شغل زوجین متقاضی طلاق توافقی تفاوت معناداری وجود دارد.

د) فرضیات عوامل جمعیتی

۱۴- بین سن زوجین متقاضی طلاق توافقی تفاوت معناداری وجود دارد.

۱۵- بین بعد خانواده پدری زوجین متقاضی طلاق توافقی تفاوت معناداری وجود ندارد.

مبانی نظری

مبانی نظری مربوط به طلاق که در این پژوهش مورد مطالعه و استفاده قرار گرفته به شرح زیر است:

- **نظریه‌ی شبکه:** نام الیزابت بات با نظریه‌ی شبکه همراه است که کتاب او به نام «خانواده و شبکه-ی اجتماعی» تکمیل شده و درجه‌ی تفکیک نقش‌های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه‌ای همبسته می‌داند که زوجین بیرون از خانه برای خود حفظ می‌کنند. هرچه ارتباط ایشان با شبکه‌های خویشاوندان، دوستان و همسایگان نزدیکتر و هرچه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، رابطه زن و شوهر به عنوان زوج زناشویی تفکیک شده‌تر بوده و بیشتر تابع سلسله مراتب است. عکس قضیه نیز مصداق دارد، هرچه شبکه‌ها کم تراکم‌تر باشند، نقش‌های مردانه و زنانه کمتر نشانگر جدایی و تفکیک هستند. بات این نکته را در قالب فشارهای فرهنگی تبیین می‌کند. هنگامی که اشخاص با یک فرد آشنا هستند دارای اندر کنش درونی فشرده‌ای با هم می‌باشند. یعنی وقتی که شبکه‌ی متراکم وجود دارد اعضای شبکه به نوعی وفاق مشترک در مورد هنجارها دست می‌یابند و برای تبعیت از آنها به اعمال فشار اجتماعی غیررسمی دست می‌زنند، این اشخاص دارای ارتباطات متعدد با یکدیگر هستند و به همیاری متقابل گرایش دارند (ریتزر، ۱۳۸۰: ۲۵۵).

- **نظریه‌ی همسان‌همسری^۲:** همسانی میان دو فرد، نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوار می‌سازد. هیل^۴ معتقد است که افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نشود، احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری شده و در نهایت جدایی اتفاق می‌افتد. باورمن^۵ می‌گوید: انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگـون با او داشته باشد. به گمان لاک و برگس^۶ بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینه‌ای عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین. وود^۷ در اثر خود با عنوان ازدواج از دیدگاه مذهبی، می‌گوید: هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش ایشان بیشتر است. شنی و یامورا^۸ بر این باورند که هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر محکم‌تر باشد، خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کم‌تر است.

- **نظریه‌ی مبادله^۱:** بر اساس این نظریه، هرگونه ارتباط با دیگران در حکم نوعی مبادله است. نظریه‌ی مبادله، سعی دارد نشان دهد که رفتار بر حسب پاداش‌هایی که دریافت کرده و هزینه‌ای که به همراه می‌آورد، تغییر می‌کند. رفتارهای مورد نظر در اینجا، رفتارهایی هستند که بین دو شخص تعامل

ایجاد می‌کنند، یعنی رفتارهایی که در آنها بین دو شخص تبادل وجود دارد و هر دو نفر پاداش‌ها و هزینه‌های ناشی از تبادل را محاسبه می‌کنند. طبق اصل عدالت، تعامل زمانی حفظ می‌شود که رابطه پاداش‌ها و هزینه‌های طرفین، برابر باشد. در واقع، فرد آنچه را که برای یک رابطه هزینه می‌کند و آنچه را که از آن به دست می‌آورد، با یکدیگر مقایسه می‌کند، سپس نتیجه را با آنچه از نظر او طرف مقابل به دست می‌آورد، مقایسه می‌کند. اگر احساس نابرابری کند، احتمالاً این رابطه با خطر مواجه خواهد شد. (جلیلیان، ۱۳۷۸: ۴۵-۴۴؛ نقل از فاتحی دهقانی و نظری، ۱۳۹۰: ۲۴). بدین ترتیب، هرچه پاداش‌هایی که یکی از زوجین از زوج دیگر دریافت می‌کند، از پاداش‌هایی که پرداخت می‌کند کمتر باشد (به طور واقعی یا خیالی)، و یا هزینه‌های پرداختی یکی از زوجین به زوج دیگر، یا حتی کل خانواده بیشتر از حد واقعی یا مورد انتظار باشد، حالت زیان‌دیدگی به فرد دست می‌دهد. در این وضعیت، او خود را در مقام یک فرد زیان دیده می‌بیند که پایان دادن به رابطه زناشویی، به عنوان یکی از راه‌حل‌های اساسی برای دستیابی به پاداش یا حداقل فرار از پرداخت هزینه‌های بیشتر، برایش ارزشمند می‌گردد (فاتحی دهقانی و نظری، ۱۳۹۰: ۲۴).

- آنتونی گیدنز: گیدنز بر این باور است که پیوند میان زن و مرد، مخصوصاً در ازدواج سنتی، عمدتاً بر اساس نقش‌های ثابت بود و اگر شما یک زن بودید می‌دانستید که چه سرنوشتی در انتظارتان است و می‌شد یک زندگی خانگی و خانوادگی را برای خود پیش‌بینی کنید. نقش اساسی مرد نیز نان‌آوری برای خانه بوده است. یعنی مرد در بیرون از خانه کار می‌کرد و حقوق یک خانواده را می‌گرفت و مخارج خانواده، از همین طریق، تأمین می‌شد. اما در طول حدود یک نسل، تمام اینها تغییر کرده است و نقش زن و مرد آن‌چنان که در گذشته ثابت و مشخص بود، ثابت نیست. جمعیت قابل توجهی از زنان شاغل شده‌اند و این بدین معناست که زن بودن و مرد بودن از نظر وظایف و هویت‌هایی که ایجاب می‌کند، معنای روشن و مشخصی ندارد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

موقعیت در حال تغییر زنان و موازنه قدرت آنها با مردان در جوامع ما از نظر روابط میان دو جنس، هر روز مساوات طلب‌تر شده است. به طوری که زنان به اندازه مردان کار می‌کنند، ولی به طور متوسط، حقوق کمتری می‌گیرند. بنابراین تا برابری اقتصادی فاصله زیادی داریم. البته رشد تعداد زنان شاغل، اوضاع را به شدت تغییر داده و به دنبال تغییر موقعیت زنان، موقعیت مردان نیز دگرگون شده است. گیدنز معتقد است میزان طلاق با پروسه آزادی و رهایی‌یافتن روزافزون زنان در ارتباط است، ولی تحت تأثیر آن نیست. امروز قدرت زنان در زندگی خانوادگی بیش از هر زمان دیگری است. این دگرگونی ساختاری، ابعاد جهانی دارد و به‌رهایی زنان از نظر اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مربوط است (همان: ۱۲۶).

گیدنز در بحث چرایی افزایش روزافزون طلاق معتقد است امروزه ازدواج ارتباط چندانی با آرزوی حفظ ثروت و دارایی و شأن و مقام خانوادگی و سپردن آن به نسل‌های بعدی ندارد. هر قدر زنان به لحاظ اقتصادی مستقل‌تر می‌شوند، ضرورت اقتصادی ازدواج برای آنان از گذشته کمتر می‌شود. عامل مهم بعدی عبارت است از گرایش فزاینده به ارزیابی ازدواج، براساس رضایت و خرسندی شخصی از آن می-

باشد. به نظر نمی‌رسد نرخ رو به رشد طلاق، نشانگر ناخرسندی عمیق از نفس ازدواج باشد بلکه نشانه عزم راسخ‌تری برای تبدیل کردن ازدواج به رابطه‌ای پرثمر و رضایت‌بخش است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۶۳).

روش‌شناسی

روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی - تبیینی است. زیرا هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق توافقی در زوجین متقاضی طلاق توافقی بوده است. محل انجام پژوهش شهرستان کرمانشاه بود و از میان متقاضیان طلاق توافقی در شهرستان کرمانشاه، تعداد ۳۶۹ نفر (زوج یا زوجه) با رضایت کامل و به صورت نمونه‌گیری در دسترس در پژوهش شرکت داده شدند. لازم به ذکر است متقاضیان طلاق توافقی از بین دادگاه‌های درگیر در امر طلاق و مسائل زناشویی شهرستان کرمانشاه انتخاب شده‌اند و تاریخ جمع‌آوری اطلاعات از فروردین تا شهریور ۱۳۹۰ بوده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بوده که شامل سؤالات زمینه‌ای و میزان رضایت والدین از ازدواج زوجین، سابقه‌ی طلاق در خانواده‌ی زوجین، میزان آشنایی قبل از ازدواج، دوره‌ی نامزدی، وضعیت اشتغال متقاضیان و ... و در نهایت علل و عوامل طلاق از دیدگاه زوجین بوده است. پاسخ‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS_۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شد.

تعریف مفاهیم

اشتغال زن: هر نوع فعالیت اقتصادی مستقل زنان جدای از نقش خانه دار بودن آنها که از این فعالیت آنها را صاحب درآمدی مستقل از درآمد شوهر کند.

ازدواج در سنین بالا: ازدواج پس از ۳۰ سالگی برای زنان و ۴۰ سالگی برای مردان.

زودرسی ازدواج: ازدواج قبل از ۱۸ سالگی برای زنان و قبل از ۲۰ سالگی برای مردان.

خاستگاه منطقه‌ای: ملاک تفکیک در «خاستگاه منطقه‌ای» تفکیک افراد به شهری و روستایی می‌باشد. به عبارت دیگر خاستگاه منطقه‌ای به محل تولد و رشد و نمو افراد اطلاق می‌شود.

پایگاه اقتصادی-اجتماعی: معرف‌های تبیین پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد عبارتند از میزان تحصیلات، نوع شغل و میزان درآمد فرد.

تحرك تحصیلی: یکی از زوجین، پس از ازدواج ادامه تحصیل داده و به رده تحصیلی بالاتر رسیده و یا مشغول به تحصیل در رده بالاتر شده باشد.

مهاجر روستایی: با استناد به تعریف مرکز آمار ایران در سرشماری‌ها، مهاجر به فردی اطلاق می‌شود که کمتر از ۱۰ سال در یک مکان ساکن باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵: ۸). بنابراین مهاجر روستایی به فردی اطلاق می‌شود که محل تولد وی روستا بوده و کمتر از ۱۰ سال ساکن شهر شده باشد.

نحوه همسرگزینی: پیشنهاد دوستان، پیشنهاد خانواده، با رضایت شخصی، اجبار خانواده، انتخاب شخص با رضایت خانواده، انتخاب شخص علیرغم میل خانواده در نظر گرفته شده است.

نحوه آشنایی زوجین: فامیل بودن، همسایه بودن، همکلاس بودن، همکار بودن و موارد دیگر در نظر گرفته شده است.

یافته‌ها

توصیف یافته‌ها

یافته‌های توصیفی نشان داد، ۱۵/۴ درصد پدران و ۱۷/۶ درصد مادران زوج (مرد) و ۱۳/۳ درصد پدران و ۱۶/۸ درصد مادران زوجه (زن) بی‌سواد بوده‌اند. ۱۰ درصد پدران و ۸/۳ درصد مادران زوج و ۱۲/۸ درصد پدران و ۱۰/۸ درصد مادران زوجه دارای سواد دیپلم، دبیرستان و راهنمایی بودند. از نظر وضعیت تحصیلی ۳/۳ درصد مردان بی‌سواد، ۱۳/۰ درصد تحصیلات ابتدایی، ۲۴/۷ درصد تحصیلات راهنمایی، ۶ درصد تحصیلات دبیرستان، ۳۶/۹ درصد دیپلم، ۱۵/۳ درصد هم دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. در میان زنان نیز ۴/۶ درصد بی‌سواد، ۱۵/۷ درصد تحصیلات ابتدایی، ۲۵/۲ درصد تحصیلات راهنمایی، ۵/۴ درصد تحصیلات دبیرستان، ۳۰/۶ درصد دیپلم، ۱۴ درصد هم دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. از نظر وضعیت قومی ۸۹/۴ درصد مردان و ۹۴/۴ درصد زنان کرد بودند. فقط ۳۳/۹ درصد میزان مهریه‌ی خود را عنوان کرده بودند و تقریباً ۷۶ درصد زنان مهریه‌ی خویش را بخشیده بودند.

جدول ۱: وضعیت اشتغال متقاضیان طلاق توافقی

عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی

وضعیت شغلی	زوج		زوجه	
	فراروانی	درصد	فراروانی	درصد
شاغل	۳۱۱	۸۴/۳	۳۳	۸/۹
غیر شاغل	۵۸	۱۵/۷	۳۳۶	۹۱/۱

جدول ۱ نشان می‌دهد که از میان زوجین متقاضی طلاق توافقی مردان ۸۳/۳ درصد شاغل و ۱۵/۷ درصد غیر شاغل بوده‌اند و درصد شاغل و غیر شاغل زنان به ترتیب ۸/۹ درصد و ۹۱/۱ درصد بوده است.

جدول ۲: وضعیت اشتغال (نوع شغل) متقاضیان طلاق توافقی

وضعیت شغلی	زوج		زوجه	
	فراروانی	درصد	فراروانی	درصد
دولتی	۴۳	۱۳/۸	۷	۲۱/۲
غیر دولتی	۲۶۸	۸۶/۲	۲۶	۷۸/۸

جدول ۲ نشان می‌دهد ۱۳/۸ درصد مردان شاغل دارای شغل دولتی و ۸۶/۲ درصد آنها شغل غیردولتی بوده؛ همچنین ۲۱/۲ درصد زنان شغل دولتی و ۷۸/۸ شغل غیردولتی داشته‌اند.

جدول ۳: میزان سابقه طلاق در میان آشنایان زوجین

سابقه طلاق آشنایان زوجین متقاضی طلاق	زوج		زوجه	
	فراروانی	درصد	فراروانی	درصد
مادر	۳	۰/۸	۱۰	۲/۷
پدر	۳	۰/۸	۵	۱/۴
پدر و مادر	۲	۰/۵	۷	۱/۹
برادر	۲۷	۷/۳	۲۳	۶/۲
خواهر	۴۹	۱۳/۳	۴۵	۱۲/۲
برادر و خواهر	۴	۱/۱	۳	۰/۸
اقوام	۳۳	۸/۹	۲۰	۵/۴
سابقه طلاق (کل)	۱۲۱	۳۲/۸	۱۱۸	۳۰/۶
عدم سابقه	۲۴۸	۶۷/۲	۲۵۶	۶۹/۴

جدول ۳ نشان می‌دهد ۳۲/۸ درصد اطرافیان مردان و ۳۰/۶ درصد اطرافیان زوجه طلاق اتفاق افتاده‌است که در میان مردان و زنان بیشترین میزان طلاق مربوط به خواهر و برادر بوده است.

جدول ۴: وضعیت ازدواج متقاضیان طلاق توافقی

وضعیت ازدواج زوجین	زوج		زوجه	
	فراروانی	درصد	فراروانی	درصد
اجباری	۳۴	۹/۲	۳۳	۸/۹
اختیاری	۳۰۶	۸۲/۹	۳۰۵	۸۲/۷
ذکر نشده	۲۹	۷/۹	۳۱	۸/۴
کل	۳۶۹	۱۰۰/۰	۳۶۹	۱۰۰/۰

جدول ۴ نشان می‌دهد که از میان زوجین متقاضی طلاق توافقی در میان مردان ۹/۲ درصد ازدواج خود را اجباری و در میان زنان نیز ۷/۹ درصد ازدواج خویش را اجباری گزارش نموده‌اند.

جدول ۵: میزان رضایت والدین از ازدواج متقاضیان طلاق توافقی

رضایت	والدین زوج	والدین زوجه
-------	------------	-------------

رضایت	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
رضایت	۳۰۹	۸۳/۷	۲۶۹	۷۲/۹
نارضایتی	۳۸	۱۰/۳	۴۹	۱۳/۳
ذکر نشده	۲۲	۶/۰	۵۱	۱۳/۸
کل	۳۶۹	۱۰۰/۰	۳۶۹	۱۰۰/۰

جدول ۵ نشان می‌دهد ۱۰/۳ درصد والدین مردان و ۱۳/۳ درصد والدین زنان از ازدواج رضایت نداشته-

اند.

جدول ۶: میزان آشنایی قبل از ازدواج در زوجین متقاضی طلاق توافقی

میزان	آشنایی قبل از ازدواج		مدت دوران نامزدی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
نداشته اند	۳۲۶	۸۸/۳	۳۲۴	۸۷/۸
داشته اند	۴۳	۱۱/۷	۴۵	۱۲/۲

جدول ۶ نشان می‌دهد که از میان زوجین متقاضی طلاق توافقی ۱۱/۸ درصد دارای آشنایی قبل از

ازدواج و ۱۲/۲ درصد دارای مدت دوران نامزدی بوده‌اند.

جدول ۷: سابقه مصرف مواد مخدر در زوجین متقاضی طلاق توافقی

پاسخ	زوج		زوجه	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیر	۲۳۴	۶۳/۴	۳۴۰	۹۲/۱
بله	۶۹	۱۸/۷	۰	۰/۰
ذکر نشده	۶۶	۱۷/۹	۲۹	۷/۹

جدول ۷ نشان می‌دهد ۱۸/۷ درصد مردان متقاضی طلاق توافقی و صفر درصد زنان دارای سابقه

مصرف مواد مخدر بوده‌اند.

جدول ۸: علل و عوامل اختلافات زوجین متقاضی طلاق

علت	فراوانی	درصد	علت	فراوانی	درصد
اعتیاد	۲۳	۶/۲	کاهش میزان حضور زن در خانه	۱	۰/۳
دخالت اطرافیان	۴۶	۱۲/۵	کاهش میزان حضور مرد در خانه	۲	۰/۵
تنفر و نداشتن علاقه	۱۲	۳/۵	اختلاف مذهبی زوجین	۴	۱/۱
ضرب و شتم	۳۶	۱۰/۳	تمکین نکردن	۱	۰/۳
سوءظن و بدبینی	۳۰	۸/۱	ثبات نداشتن شغلی همسر	۱	۰/۳
درآمد ناکافی	۹	۲/۴	عقیم بودن مرد	۲	۰/۵
بیماری روانی	۱	۰/۳	بیماری همسر (هیپاتیت، ایدز)	۴	۱/۱
نارضایتی جنسی	۵	۱/۴	مهاجرت	۹	۲/۴
بیکاری شوهر	۸	۲/۲	وسواس	۱	۰/۳
خیانت	۱۲	۳/۲	بی احترامی	۶	۱/۶
ازدواج مجدد شوهر	۲	۰/۵	بی توجهی	۲۱	۵/۷
متواری بودن همسر	۱	۰/۳	دروغگویی	۳۴	۹/۲
نداشتن مسکن مستقل	۴	۱/۱	رعایت نکردن بهداشت	۴	۱/۱
ازدواج تحمیلی	۷	۱/۹	سایر	۸۴	۲۲/۷

جدول ۸ نشان می‌دهد بیشترین عوامل طلاق زوجین به ترتیب مربوط به دخالت اطرافیان (۱۲/۵ درصد)، ضرب و شتم (۱۰/۳ درصد)، دروغ‌گویی (۹/۲ درصد)، سوء ظن و بدبینی (۸/۱ درصد)، اعتیاد (۶/۲ درصد)، بی‌توجهی (۵/۷ درصد)، تنفر و علاقه نداشتن (۳/۵ درصد) و خیانت (۳/۵ درصد) بوده است.

تحلیل آماری

در این بخش سعی شده است ابتدا در جداولی جداگانه، برخی از رابطه‌های معنادار تحلیل شده، سپس سایر روابط معنادار به همراه مقادیر آزمون مربوطه، در یک جدول، آورده شود

جدول ۹: جدول توافقی و نتایج آزمون آماری رابطه‌ی بین متغیر جنسیت و تمایل به ادامه‌ی زندگی مشترک

سطح معنی‌داری	مقدار آزمون	نام آزمون	جنسیت		آماره	تمایل به ادامه‌ی زندگی مشترک
			زن	مرد		
/۰۰۰۰	۲۴/۴	کای اسکوئر	۱۵	۵۲	تعداد	بلی
			۲۶٪	۸۹٪	درصد	
			۲۸۱	۲۳۵	تعداد	خیر
			۴۸.۲٪	۴۰.۳٪	درصد	

نتایج آمده در جدول فوق نشان می‌دهد اختلاف معناداری بین دو گروه وجود دارد. به عبارت دیگر مردان به نسبت زنان تمایل بیشتری به ادامه‌ی زندگی مشترک دارند.

جدول ۱۰: جدول توافقی و نتایج آزمون آماری در خصوص رابطه‌ی بین متغیر جنسیت و مصرف مواد مخدر

سطح معنی‌داری	مقدار آزمون	نام آزمون	جنسیت		آماره	اعتیاد به مصرف مواد مخدر
			زن	مرد		
/۰۰۰۰	۸۶/۷۳۳	کای اسکوئر	۰	۶۹	تعداد	بلی
			۰٪	۱۰.۷٪	درصد	
			۳۴۰	۲۳۴	تعداد	خیر
			۵۲.۹٪	۳۶.۴٪	درصد	

نتایج آمده در جدول فوق نشان می‌دهد اختلاف معناداری بین دو گروه وجود دارد. به عبارت دیگر مردان به نسبت زنان بیشتر به مصرف مواد مخدر گرایش دارند.

جدول ۱۱: جدول توافقی و نتایج آزمون آماری در خصوص رابطه‌ی بین متغیر جنسیت و وضعیت اشتغال

سطح معنی‌داری	مقدار آزمون	نام آزمون	جنسیت		آماره	وضعیت اشتغال
			زن	مرد		
/۰۰۰۰	۳۱۵/۱۵۸	کای اسکوئر	۳۳	۵۸	تعداد	بیکار
			۴.۴٪	۷.۹٪	درصد	
			۳۳۶	۳۱۱	تعداد	شاغل
			۴۵.۶٪	۴۲.۱٪	درصد	

نتایج آمده در جدول فوق نشان می‌دهد اختلاف معناداری بین دو گروه وجود دارد. به عبارت دیگر مردان به نسبت زنان بیشتر شاغل بوده‌اند و زنان عمدتاً خانه‌دار می‌باشند.

در جدول زیر نتایج آزمون‌های آماری سایر متغیرها، ارائه شده است. در مواردی که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوده رابطه معنادار شناخته شده است.

جدول ۱۲: نتایج آزمون‌های آماری در خصوص رابطه‌ی بین متغیر جنسیت با سایر متغیرهای متقاضیان طلاق توافقی

ردیف	متغیر مستقل (جنسیت)	متغیرهای وابسته	نوع آزمون	مقدار آزمون	سطح معناداری	نتیجه
۱	زن	مرد	سن زوجین	تی (T) مستقل	۶/۵۶	مردان به نسبت زنان از میانگین سنی بالاتری برخوردارند و این تفاوت میانگین معنادار است.
۲	زن	مرد	رضایت والدین	کای اسکوئر	۳/۹۵۲	خانواده‌ی زوجه به نسبت خانواده‌ی زوج از سر گرفتن ازدواج فرزندان‌شان بیشتر ناراضی بوده‌اند.
۳	زن	مرد	نوع شغل	کای اسکوئر	۱۹/۴۲۱	زنان به نسبت مردان بیشتر به مشاغل دولتی گرایش دارند و بالعکس.
۴	زن	مرد	رفت و آمد با خانواده همسر	کای اسکوئر	۳۱/۳۸	مردان به نسبت زنان ارتباط کمتری با خانواده همسرانشان دارند.
۵	زن	مرد	قومیت	کای اسکوئر	۱/۹۱۴	بین زنان و مردان متقاضی طلاق توافقی از نظر تعلق قومی تفاوت معناداری مشاهده نشد.
۶	زن	مرد	سوءظن	کای اسکوئر	۰/۴۴۹	بین زنان و مردان متقاضی طلاق توافقی از نظر سوءظن به همسرشان تفاوت معناداری مشاهده نشد.
۷	زن	مرد	مهاجرت	کای اسکوئر	۰/۰۳۱	بین زنان و مردان متقاضی طلاق توافقی از نظر مهاجرت تفاوت معناداری مشاهده نشد.
۸	زن	مرد	سابقه ازدواج قبلی	کای اسکوئر	۰/۶۷۵	بین زنان و مردان متقاضی طلاق توافقی از نظر سابقه ازدواج قبلی تفاوت معناداری مشاهده نشد.
۹	زن	مرد	سابقه طلاق در خانواده	کای اسکوئر	۰/۳۹۹	بین زنان و مردان متقاضی طلاق توافقی از نظر سابقه طلاق در خانواده‌شان تفاوت معناداری مشاهده نشد.

جدول ۱۳: نتایج سایر آزمون‌های آماری در خصوص زوجین متقاضی طلاق توافقی

ردیف	متغیر مستقل	متغیرهای وابسته	نوع آزمون	مقدار آزمون	سطح معناداری	نتیجه
۱	تحصیلات مرد	تحصیلات زن	گاما	۰/۵۰۱	۰/۰۰۰	بین تحصیلات مرد و زن متقاضی طلاق توافقی همبستگی مستقیم و قوی وجود دارد.
۲	سن مرد	سن زن	پیرسون	۰/۸۴۹	۰/۰۰۰	بین سن مرد و زن متقاضی طلاق توافقی همبستگی مستقیم و بسیار قوی وجود دارد.
۳	سن مرد	سن مرد هنگام ازدواج	پیرسون	۰/۳۳۴	۰/۰۰۰	بین سن مرد متقاضی طلاق توافقی با سن وی هنگام ازدواج همبستگی مستقیم و متوسطی وجود دارد.
۴	سن زن	سن زن هنگام ازدواج	پیرسون	۰/۲۵۲	۰/۰۰۰	بین سن زن متقاضی طلاق توافقی با سن وی هنگام ازدواج همبستگی مستقیم و متوسطی وجود دارد.
۵	سن مرد هنگام ازدواج	سن زن هنگام ازدواج	پیرسون	۰/۴۵	۰/۰۰۰	بین سن مرد و زن متقاضی طلاق توافقی همبستگی مستقیم و متوسطی وجود دارد.
۶	سن مرد هنگام ازدواج	طول زندگی مشترک	پیرسون	-۰/۱۰۶	۰/۰۴۷	بین سن مرد متقاضی طلاق توافقی و طول زندگی مشترک همبستگی معکوس و ضعیفی وجود دارد.
۷	سن زن هنگام ازدواج	طول زندگی مشترک	پیرسون	-۰/۱۶۱	۰/۰۰۳	بین سن زن متقاضی طلاق توافقی و طول زندگی مشترک همبستگی معکوس و ضعیفی وجود دارد.
۸	بعد خانواده پدری مرد	بعد خانواده پدری زن	پیرسون	۰/۱۵۷	۰/۰۰۳	بین بعد خانواده پدری مرد و زن متقاضی طلاق توافقی همبستگی مستقیم و ضعیفی وجود دارد.
۹	طول زندگی مشترک	تعداد فرزند	پیرسون	۰/۵۴۴	۰/۰۰۰	بین طول زندگی مشترک مرد و زن متقاضی طلاق توافقی و تعداد فرزندان‌شان همبستگی مستقیم و قوی وجود دارد.
۱۰	تحصیلات پدر	تحصیلات پدر زن	کندال تاؤ بی	۰/۴۱۲	۰/۰۰۰	بین میزان تحصیلات پدران زوجین متقاضی طلاق توافقی همبستگی مستقیم و متوسطی وجود دارد.
۱۱	تحصیلات مادر	تحصیلات مادر	کندال تاؤ بی	۰/۴۳۵	۰/۰۰۰	بین میزان تحصیلات مادران زوجین متقاضی طلاق توافقی

نتایج

همان گونه که یافته‌ها نشان داده‌است، ۳۲/۸ درصد اطرافیان زوجین مرد و ۳۰/۶ درصد اطرافیان زوجین زن طلاق اتفاق افتاده است. که در میان مردان و زنان بیشترین میزان طلاق مربوط به خواهر و اطرافیان و برادر بوده است. این یافته همخوان با یافته‌های فارول (۲۳۹: ۲۰۰۶، Farrell) است که نشان داد یکی از عوامل مهم مرتبط با طلاق وجود برادران و خواهران طلاق گرفته در خانواده می‌باشد. همچنین چون هامن، هنری و دلی (۷۸۲: ۲۰۰۰، Hammen, Henry & Daley) سابقه‌ی طلاق در خانواده را از عوامل مرتبط با طلاق می‌دانند، این نتیجه با یافته‌های آنان همخوان است. این نتیجه می‌تواند تأییدی بر یافته‌های گاتمن، بن آشر و لازار (۱۹۹۹: Guttman, Ben-Asher & Lazar) باشد که نشان دادند که زمینه خانوادگی و تاریخچه طلاق در خانواده نقش منفی‌ای در رضایت زناشویی ایفا می‌کنند و باعث افزایش مشاجرات زوجین می‌شود.

این نتیجه نشان می‌دهد که وجود طلاق در اطرافیان زنان و مردان متقاضی طلاق توافقی باعث می‌شود که آنان نیز در هنگام اختلافات زناشویی جدایی و طلاق را برگزینند. در تبیین این یافته می‌توان به نظریه یادگیری اجتماعی بندورا اشاره کرد که مهمترین تعیین کننده‌های رفتار در محیط قرار دارند (خدایانه‌ی، ۱۳۸۵: ۱۵۶). در پژوهش حاضر اطرافیان زوجین از جمله برادر، خواهر و سایر افراد به عنوان الگوهای زنده محسوب می‌شوند که فرد متقاضی طلاق مستقیماً با آنها برخورد دارد. بنابراین در هنگام اختلافات زناشویی به دلیل تأثیرات الگوهای زنده ممکن است بهترین گزینه را جدایی انتخاب نمایند.

از نتایج دیگر این پژوهش این بود که از میان مردان متقاضی طلاق توافقی ۹/۲ درصد و از میان زنان ۷/۹ درصد ازدواج خویش را اجباری گزارش نموده‌اند. این نتیجه با یافته‌های کاملی (۱۳۸۶: ۱۸۸ و ۱۸۹) همخوانی دارد که یکی از عوامل طلاق از بعد اجتماعی را ازدواج تحمیلی می‌داند. همچنین این یافته تأییدی بر یافته‌های هامن، هنری و دلی (۷۸۲: ۲۰۰۰، Hammen, Henry & Daley) است که نشان دادند نارضایتی زوجین در ازدواج از دلایل مشکلات زناشویی و طلاق است. در تبیین این یافته می‌توان گفت زوجینی که ازدواج اجباری را متحمل شده‌اند، معمولاً علاقه‌ای به همدیگر ندارند و به خاطر رضایت دیگران (پدر و مادر) با هم زندگی می‌کنند. بنابراین زمانی که بدون وجود والدین، معمولاً اختلافات آنان شروع شده و این امر به تدریج منجر به جدایی آنان می‌شود.

نتایج نشان داد که در میان زوجین متقاضی طلاق توافقی ۱۱/۸ درصد دارای آشنایی قبل از ازدواج و ۱۲/۲ درصد دارای مدت دوران نامزدی بوده‌اند و بقیه آشنایی قبل از ازدواج و مدت زمان نامزدی نداشته‌اند. همچنین آشنایی قبل از ازدواج و دوره نامزدی در زوجین متقاضی طلاق خیلی کم بوده است.

می‌توان گفت که داشتن آشنایی قبل از ازدواج به آشنایی هرچه بهتر زوجین کمک می‌کند و اختلافات زناشویی آنان را کاهش می‌دهد.

یافته‌ها نشان داد که بیشترین عوامل طلاق زوجین متقاضی طلاق به ترتیب مربوط به دخالت اطرافیان، ضرب و شتم، سوء ظن و بدبینی، اعتیاد، بی‌توجهی، تنفر و نداشتن علاقه و خیانت بوده است. این نتیجه با یافته‌های کاملی (۱۳۸۶: ۱۸۹-۱۸۸) همخوان است که نشان داد بی‌اعتنایی به همسر، مداخله‌ی اطرافیان، خشونت‌های خانوادگی و خیانت آشکار و اعتیاد از جمله عوامل مرتبط با طلاق هستند. همچنین با نتایج حسینی (۳۸۶: نقل از مشکی و همکاران، ۱۳۹۰) و زرگر و نشاطدوست (۱۳۸۶) مبنی بر اثر دخالت‌های بی‌مورد اطرافیان بر میزان طلاق، ویسمن و همکاران (Whisman, Dixon, & Johnson, ۱۹۹۷: ۳۶۱) مبنی بر نقش مشاجرات خانوادگی در طلاق و رحیمی (۱۳۷۹) مبنی بر نقش اعتیاد و دخالت دیگران در میزان طلاق همخوان است.

عوامل مؤثر بر افزایش رشد فردیت زنان

داشتن وضعیت مالی نسبتاً خوب و یا اینکه از تلاش اقتصادی ایجادشده در درجه اول به استقلال خود فکر می‌کنند، مثلاً گرفتن مهریه فرصتی برای استقلال این زنان است. تغییر الگوی مرجع، قبل از تحصیلات و پایگاه شغلی، پدر و برادر و ریش سفیدان خانواده مرجع بودند ولی بعد از آن دوستان دانشگاهی و مشاوران اجتماعی و متخصصان علمی مثل روانشناسان می‌باشد.

رسانه‌ها مثل ماهواره، اینترنت و تلویزیون الگوی شخصیتی قوی از زنان را ارائه می‌دهد که حتی در بعضی از آنها نقش زنان را قوی‌تر از مردان به نمایش می‌گذارد. روابط اجتماعی که از این طریق از تجربیات و چالش‌های زندگی زناشویی دیگران و مقاومت‌های دیگران آگاه شده و حقوق خود را در زناشویی بیشتر می‌فهمند. تنوع شغلی: امروزه تنوع شغلی و فضاهای شغلی بیشتری برای زنان ایجادشده است و زنان راحت‌تر از گذشته در محیط اجتماعی و کاری، پذیرفته می‌شوند (وکالت، آرایشگری، پزشکی، آبدارچی و کارگری و...)

دفاع و حمایت‌های جهانی از زنان در کشورهای غیرمقیم: امروزه زنان برای به‌دست آوردن حقوق خود از سازمان‌های جهانی دیگر کشورها کمک خواسته و آنها را وادار به دخالت در امورشان می‌کنند. پافشاری زنان برای حفظ حریم و احترام فردی خود، که ازدواج مجدد مردان نقش تسریع کننده در این امر دارد.

تغییر مفهوم گذشت و فداکاری: زنان، مفهوم گذشت و فداکاری را که باتوجه به نگاه سنتی مطالبه می‌شود، قبول نداشته و در واقع این مفاهیم را در زمانی که باتفاهم و احترام همراه باشد، می‌پذیرند. ازدواج دیگر به معنای قدیمی نیست، زنان امروز رشد کرده و از این که در مقابل مردان قرار بگیرند هیچ ترسی ندارند. زنان شغل دارند و تحصیل کرده‌اند. به‌میان کشیدن مهریه بهانه‌ای برای گرفتن

حقوقشان است. آنان دیگر حاضر به پذیرش هرگونه رفتاری از سوی مقابل را نداشته و جدا می‌شوند. بنابراین مجدداً بر می‌گردیم به گیدنز که می‌گوید: این افراد استقلال و برابری را خواهانند و برای به‌دست‌آوردن آن نقش‌های سنتی خود را (بچه‌داری و شوهرداری) تغییر داده‌اند.

زنان امروز قسمت طولانی از زندگی خود را صرف تحصیل و کار می‌نمایند و سهم زیادی از مسؤولیت‌های زندگی زناشویی و اجتماعی را برعهده می‌گیرند. همچنین هیچ‌واهمه‌ای از ورود به مشاغل پراسترس و زمان‌بر ندارند. این نکته نشان می‌دهد زنان برخلاف گذشته که نقش نان‌آوری را برای مردان و وظایف بچه‌داری و شوهرداری را برای زنان تعریف می‌کردند، قبول ندارند.

نقش افزایش آگاهی زنان بر زندگی زناشویی

زنان از طریق تحصیلات، رسانه‌ها و روابط اجتماعی گسترده نسبت به مسائل مختلفی که در زندگی خویش دارند، نسبت به گذشته از آگاهی بیشتری برخوردارند. این آگاهی آنان را در برخورد با مسائل توانا‌تر کرده و به آنان اعتماد به نفس بیشتری بخشیده است. برای نمونه می‌توان به افزایش دانش آنان در امور خانگی، انجام مشاغل مختلف و دخالت در حل مسائل اجتماعی اشاره کرد. توانایی آنان در استفاده از تکنولوژی مانند استفاده از ماشین لباسشویی، جارو برقی و ... کارها را برایشان بسیار آسان‌تر کرده و علاوه بر آن از فراغت بیشتری نیز برخوردارند. موضوع دیگر مورد اشاره انجام مشاغل مختلف از سوی زنان است که امروزه به دلیل افزایش دانش زنان، به آسانی می‌توان آنان را در مشاغل مختلف، حتی از مردان نیز موفق‌تر مشاهده کرد. علاوه بر این موارد زنان امروزه با همین دانش و اعتماد به نفسی که دارند در خود توانایی تغییر شرایط اجتماعی را نیز احساس می‌کنند. ضمن این‌که تجربه‌های اجتماعی این گروه به صورت روزافزونی در حال افزایش است. حضور زنان در خیابان‌ها، مراکز فرهنگی و علمی، حضور گسترده در انتخابات و حتی اعتراض‌های مدنی و سیاسی را نیز می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج بررسی حاضر به نظر می‌رسد که پژوهش درباره ساختار شغلی و به ویژه ساختار شغلی زنان و ساختار مهاجرت این شهرستان با تأکید بر تحلیل سنی، تحصیلی و جنسی و همچنین تحلیل ساختار روابط خانوادگی و ازدواج می‌تواند شناخت ما را از این پدیده افزایش دهد.

از آنجا که تصادم «سنت» و «تجدد» یکی از اساسی‌ترین مسائل اجتماعی-تاریخی در کشورهای در حال توسعه و به طور مشخص ایران می‌باشد؛ لذا، جز از طریق به تدبیر کشاندن نحوه رویارویی دو نوع ساخت اجتماعی، جامعه فرایند مذکور را به سلامت طی نخواهد کرد و جنبه‌های مثبت «سنت» در ساخت اجتماعی جدید مضمحل خواهد شد و جنبه‌های منفی «سنت» حتی برخی جنبه‌های

مثبت ساخت اجتماعی جدید را از محتوا تهی خواهد کرد. البته بایستی متوجه بود که حتی در حالت کنترل شده این رویارویی، بروز تنش‌های اجتماعی همچون افزایش احتمال وقوع طلاق به ویژه در مناطقی همچون کرمانشاه که «شکاف ساختی» محسوس تر است تا حدی طبیعی و اجتناب ناپذیر است. اما تنها در صورت حل شدن (و نه مخدوش شدن) مسأله تقابل سنت و تجدد در سطحی عینی است که هم تنش‌های اجتماعی مرحله گذار به حداقل ممکن خود خواهند رسید و هم دورنمای سلامت واقعی نهادهای اجتماعی و از جمله نهاد خانواده ترسیم خواهد شد.

اساسی‌ترین و ضروری‌ترین اقدام برای کاهش احتمال وقوع طلاق از طریق ارتقای آگاهی فردی، آگاه کردن زنان و مردان ازدواج نکرده یا در آستانه ی ازدواج از انواع ازدواج‌هایی است که آستانه طلاق است.

زنان و مردان متأهل، دومین دسته از افرادی هستند که با ارتقای آگاهی آنان پیرامون عوامل طلاق و تصحیح یا تحکیم کنش متقابل آنها، می‌توان به کاهش احتمال وقوع طلاق امید داشت. از آنجا که ممکن است عوامل بالقوه اقدام به طلاق در زندگی مشترک برخی از زوجین نهفته باشد و این عوامل، روزی نمود یک اقدام حقوقی از جانب زوجین به خود گیرد؛ لذا با آگاه کردن زنان و مردان متأهل از عوامل نهفته و در عین حال ریشه‌ای انواع ناسازگاری‌های احتمالی بین آنها، نهایتاً کاهش احتمال وقوع طلاق را تا حدی انتظار داشت.

سازو کار تأثیر ارتقای آگاهی فردی را کمابیش در مورد زنان و مردان در آستانه طلاق نیز می‌توان مشاهده کرد. البته، برنامه‌ریزی جهت مشاوره با چنین افرادی بایستی بر این آگاهی دوگانه استوار باشد که طلاق هم می‌تواند مفید باشد و هم می‌تواند برخلاف آن باشد. به عبارت دیگر صرف طرح حقوقی طلاق از جانب زوجین، در همه‌ی موارد به معنای واقعی نبودن امکان ادامه زندگی مشترک آنها نمی‌تواند باشد. هم‌چنین مخالفت با درخواست طلاق هر زوج نیز می‌تواند هزینه‌های فردی و اجتماعی بسیاری را بر این افراد و جامعه پیرامون آنها تحمیل کند.

منابع

منابع فارسی

۱. اعزازی، ش. (۱۳۸۰). **جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۲. تقوی، ن. (۱۳۷۹). **جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳. حکیم، س و دیگری. (۱۳۹۰). **علل طلاق و راهبردهای کاهش آن از دیدگاه قرآن کریم**. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان). دوره ۱۳، شماره ۱، ۴۹.
۴. خداپناهی، م. (۱۳۸۵). **انگیزش و هیجان**. تهران: انتشارات سمت.

۵. خیاط‌غیائی، پ و دیگران. (۱۳۸۹). بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده شیراز. فصلنامه زن و جامعه، دوره‌ی ۱۱، شماره‌ی ۳.
۶. دانش، ک. (۱۳۷۰). علل و عوامل مؤثر بر طلاق در شهر تهران. بیک ماما، دوره‌ی ششم و هفتم، شماره‌های اول تا سوم.
۷. رحیمی، ح. (۱۳۷۹). بررسی عامل‌های طلاق در استان خراسان. فصلنامه جمعیت. سال ۸، شماره ۳۳ و ۳۴.
۸. ریتزر، ج. (۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: م، ثلاثی‌زاده. تهران: انتشارات علمی، چاپ پنجم.
۹. زرگر، ف و دیگری. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق در شهرستان فلاورجان. فصلنامه خانواده‌پژوهی. سال سوم، شماره‌ی ۱۱.
۱۰. ساروخانی، ب. (۱۳۷۲). طلاق؛ پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۱. ستوده، ه. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات آوای‌نور، چاپ ۱۱.
۱۲. سیفاللهی ننه‌کران، ح. (۱۳۷۲). بررسی‌های علل طلاق کاربرد روش تجزیه عامل ارتباطها. فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۳.
۱۳. شریفی، م و دیگران. (۱۳۹۰). اثر بخشی بازآموزی اسنادی در کاهش فرسودگی زناشویی و احتمال وقوع طلاق در زوجین متقاضی طلاق. مشاوره و روان‌درمانی خانواده. دوره‌ی ۱، شماره- ۲.
۱۴. فاتحی دهقانی، ا و دیگری. (۱۳۹۰). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان. مطالعات امنیت اجتماعی، شماره‌ی ۲۵.
۱۵. کاملی، م. (۱۳۸۶). بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب‌اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود. فصلنامه دانش انتظامی. دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۳.
۱۶. مشکى، م و دیگران. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه‌ی شهرستان گناباد در سال‌های ۸۸-۱۳۸۷. افق دانش. دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی یک، ناشر: فصلنامه‌ی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد.

۱۷. مشکى، م و ديگران. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سال های ۸۸-۱۳۸۷. افق دانش، دوره ۱۷، شماره ۱.
۱۸. مهرپور محمودآبادی، ح. (۱۳۵۲). طلاق با توافق زوجین در حقوق ایران. دانشگاه تهران. حقوق خصوصی.
۱۹. یزدخواستی، ح و ديگران. (۱۳۸۷). بررسی احساس تمایل و تقصیر با استرس، افسردگی و اضطراب متقاضیان طلاق در شهرهای اصفهان و اراک. فصلنامه خانواده پژوهی، دوره ۴، شماره ۱۵.
۲۰. یوسفی، ن و ديگری. (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی رویکردهای خانواده درمانی مبتنی بر حضور ذهن و فراشناخت بر کیفیت روابط زناشویی در مراجعان در آستانه طلاق. مشاوره و روان درمانی خانواده. دوره ۱، شماره ۲.

منابع انگلیسی

- Amato, P.R. (۲۰۰۰). The consequences of divorce for adults and children. **Journal of Marriage and the Family**, ۶۲(۴), ۱۲۶۹-۱۲۸۸.
- Amato, P.R., & Rogers, S. J. (۱۹۹۷). A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. **Journal of Marriage and the Family**, ۵۹, ۶۱۲-۶۲۵.
- Barrett, A. E., & Turner, R. J. (۲۰۰۵). Family structure and mental health: The mediating effects of socioeconomic status, family process, and social stress. **Journal of Health and Social Behavior**, ۴۶, ۱۵۶-۱۶۹.
- Cohen, G.J. (۲۰۰۲). Helping children and families deal with divorce and separation. **American Academy of Pediatrics**, ۶, ۱۰۱۹-۱۰۲۲.
- Guttman, J & other. (۱۹۹۹). Withdrawal threshold in interpersonal conflict among adolescents of divorced parents. **Educational Psychology**, ۱۹, ۱۸۱-۱۹۸.
- Hammen, C & other. (۲۰۰۰). Depression and sensitization to stressors among young women as a function of childhood adversity. **Journal of Consulting and Clinical Psychology**, ۶۸, ۷۸۲-۷۸۷.
- Linlin, P. (۱۹۹۳). Divorce in the United States vs. China. **Journal of Popular Culture**, ۲۷, ۹۱-۱۰۰.
- Mukai, M. (۲۰۰۴). Modernization and Divorce in Japan, Japan, Marshall University, thesis submitted to for the degree of Master of Arts in Sociology. <http://ezproxy.marshall.edu:۲۰۴۸/login>, PP. ۷۶-۷۷.

Pledge, D.S. (۱۹۹۲). Marital separation/divorce: A review of individual responses to a major life stressor. **Journal of Divorce&Remarriage**, ۱۷(۳/۴), ۱۵۱-۱۸۱.

Tanner, L. J. (۲۰۰۲). Parental separation and divorce: Can we provide an ounce of prevention? **Pediatrics**, ۱۱۱, ۱۰۰۷-۱۰۱۰.

Whisman, M. & other. (۱۹۹۷). Therapists' perspective of couple problems and treatment issues in couple therapy. **Journal of Family Psychology**, ۱۱, ۳۶۱- ۳۶۶.